

بررسی ترجمه‌های قرآن از منظر توجه به آهنگ آیات در ترجمه؛

مورد پژوهی: سوره مرسلات

زینب عباسی‌نژاد^۱، عبیر جادری^۲

چکیده

یکی از زیبایی‌های حیرت‌انگیز قرآن کریم، آهنگ خاص آیات آن است. چون این خصیصه بیشتر در سوره‌های مکی دیده می‌شود، شاید بتوان آن را یکی از وجوه اعجاز قرآن دانست. با این حال، این زیبایی تا حد زیادی در ترجمه از بین می‌رود و هیچ‌کس حتی مترجمانی که قرآن را منظوم ترجمه کرده‌اند، نمی‌توانند مدعی شوند که تمام زیبایی آهنگ آن را حفظ کرده‌اند یا کلامی همتای آن در زبان مقصد ارائه داده‌اند. اما برخی مترجمان قرآن کریم، به این امر مهم توجه داشته و تلاش نموده‌اند تا آیاتی را که لحن سریع و کوتاه دارند، به همین شیوه در ترجمه انتقال دهند. پژوهش پیش رو، ترجمه ۱۴ آیه ابتدایی سوره مرسلات را میان سه تن از این مترجمان بررسی می‌کند. از میان ترجمه‌های منثور قرآن، ترجمه رضایی و برزی و از میان ترجمه‌های منظوم، ترجمه تشکری مبنای این پژوهش است. پس از بررسی معلوم می‌شود که هر سه نفر تا حد زیادی خوب عمل کرده‌اند؛ با این حال، ترجمه برزی ویژگی‌هایی دارد که آن را اندکی برتر از دو ترجمه دیگر نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: ترجمه قرآن، آیات کوتاه، سوره مرسلات، ترجمه رضایی، ترجمه

برزی، ترجمه تشکری.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی (ع) العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار زبان و ادبیات عربی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی (ع) العالمیه، قم، ایران.

یکی از زیبایی‌های حیرت‌انگیز قرآن کریم، آهنگ خاص آیات آن است. این ویژگی بیشتر در سوره‌های مکی دیده می‌شود. به همین دلیل شاید بتوان آن را یکی از وجوه اعجاز بیانی قرآن دانست. با این حال، این زیبایی تا حد زیادی در ترجمه از بین می‌رود و هیچ‌کس حتی مترجمانی که قرآن را منظوم ترجمه کرده‌اند، نمی‌توانند مدعی شوند که تمام زیبایی آهنگ آن را حفظ کرده‌اند یا کلامی همتای آن در زبان مقصد ارائه داده‌اند. البته این بدان معنا نیست که تمام مترجمان قرآن از این مهم غافل بوده‌اند و به آن هیچ توجهی نکرده‌اند؛ بلکه برخی از مترجمان (بیشتر مترجمان مبدأگرا) به این مسئله توجه کرده و تلاش کرده‌اند تا در ترجمه خود، تا حد امکان لحن آیات را هم مدنظر قرار دهند. حتی شاید وجود سوره‌های فراوان که آیاتی کوتاه و دلنشین دارند در انگیزه شاعران مترجم برای تبدیل ترجمه قرآن به متنی منظوم، بی‌تأثیر نباشد.

در پژوهش حاضر، سوره‌مرسلات به عنوان یکی از سوره‌های دارای آیات کوتاه برای بررسی چنین نوع ترجمه‌هایی بررسی می‌شود. آهنگین بودن آیات، دست‌کم از دو منظر شایان توجه است: نخست به دلیل آهنگین و دلنشین بودن و دوم اینکه کوتاهی و آهنگ آیات، سرعت و شتابی ناخودآگاه را به ذهن القا می‌کند که شاید بی‌ارتباط با محتوای آیات نیز نباشد. پرواضح است که اهداف مترجمان از ترجمه قرآن، یکسان نیست. برخی قرآن را با رویکرد تفسیری ترجمه کرده‌اند و برخی دیگر، قرآن را ساده و روان و تنها با هدف فهم مخاطب ترجمه کرده‌اند. برخی نیز با اعتقاد به اینکه ترجمه قرآن باید پایاپای متن اصلی باشد، تلاش کرده‌اند تا هرچه بیشتر، ترجمه را به متن اصلی شبیه کنند. برای مقایسه عادلانه، مقایسه میان مترجمان دسته سوم انجام می‌شود. بدین منظور، کار مترجمانی مانند آیت‌الله مکارم، آیت‌الله مشکینی و الهی قمشه‌ای از دایره پژوهش حاضر خارج است و مبنای کار براساس مترجمانی است که آیات آهنگین قرآن را کوتاه و آهنگین‌تر ترجمه کرده‌اند مانند ترجمه رضایی، برزی، رهنما و پاینده و نیز ترجمه‌های منظوم.



به طور طبیعی نمی‌توان انتظار داشت که ترجمه‌ای منظوم، دقتی معادل ترجمه‌های منثور داشته باشد بلکه به دلیل قالب شعری، در بسیاری از موارد نیازمند اضافات یا کاستی‌هایی است. مقایسه ترجمه‌های منظوم با ترجمه‌های دیگر، زمانی عادلانه و در شرایط برابر خواهد بود که ترجمه دیگر نیز منظوم باشد؛ یعنی دو ترجمه منظوم که هر دو محدودیت‌های مشابه دارند با یکدیگر مقایسه شوند تا مهارت آنها در انتقال صحیح محتوا مشخص شود. با این حال ذکر ترجمه‌های منظوم در کنار ترجمه‌های منثور، خالی از لطف نیست و با وجود تمام محدودیت‌ها، در برخی موارد، ترجمه منظوم گوی سبقت را از ترجمه‌های منثوری که آن موانع را بر سر راه خود ندارند، می‌رباید.

۲. روش پژوهش و گردآوری داده‌ها

داده‌های پژوهش حاضر، آیه بسمله و ۱۴ آیه ابتدایی سوره مرسلات است که روش ترجمه آنها در سه ترجمه مختلف قرآن بررسی می‌شود. در پژوهش حاضر ترجمه آقای رضایی و برزی با یکدیگر مقایسه می‌شود. ترجمه‌های منظوم به‌ویژه درباره آیات کوتاه و آهنگین قرآن، زیبایی خاصی دارند. به همین دلیل ترجمه آقای تشکری نیز با این دو مقایسه می‌شود، سپس هر سه ترجمه در کنار یکدیگر بررسی می‌شوند تا در نهایت مشخص شود که کدام یک بهتر عمل کرده است. نمی‌توان انتظار داشت که یک مترجم در همه آیات بهتر عمل کند، اما در نهایت، ترجمه‌ای امتیاز بیشتری دارد که در آیات بیشتری بهترین ترجمه را ارائه داده باشد.

۳. بررسی آیات

۳-۱. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه رضایی: به نام خدای گسترده‌مهر مهرورز.

ترجمه برزی: به نام خداوند بخشنده مهربان.

ترجمه تشکری: ابتدای سخن به نام خدا مهرورزنده و عطا بخشا

آیه بسمله از آیات آهنگین سوره مرسلات نیست، اما به دلیل توجهی که در سال‌های اخیر به معنای رحمان و رحیم شده است، بررسی آن خالی از لطف نیست. همان‌طور که در علم صرف گفته



می‌شود، رحمان و رحیم، هر دو از صفات خداوند متعال هستند که از ریشه رحم مشتق شده‌اند؛ با این تفاوت که رحمان بر وزن فَعْلان از صیغه‌های مبالغه است که بر مبالغه و زیادت در حدت دلالت دارد، اما رحیم بر وزن فَعیل صفت مشبیه است و بر ثبوت و دوام دلالت دارد. در دلالت معنایی این دو واژه نیز گفته می‌شود که رحمان بیانگر رحمت گسترده الهی است که تمام انسان‌ها از مؤمن و کافر در زندگی دنیا از آن برخوردارند، اما این رحمت همیشگی نیست و مختص زندگانی دنیاست. رحیم، رحمت خاص الهی برای مؤمنان را بیان می‌کند؛ رحمتی دائمی و پیوسته که دامنه آن، کافران و منافقان را دربر نمی‌گیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱/۱۸) امام صادق علیه السلام پیرامون این دو کلمه می‌فرماید: «رحمان اسم خاص خداوند است با صفتی عام (شامل همه موجودات می‌شود) و رحیم، اسمی عام است (یعنی بقیه موجودات نیز این صفت را دارند) با صفتی خاص (فقط شامل حال برخی بندگان می‌شود)» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱/۹۴).

وقتی با اطلاع از این نکته، ترجمه‌ها بررسی می‌شوند، مشخص می‌شود که بیشتر آنها در ترجمه این آیه دقت کافی نداشته‌اند. ترجمه برزی، همان ترجمه معروف از آیه است که ناقدان آن را در سال‌های اخیر مردود دانسته‌اند؛ زیرا نه معنای صیغه مبالغه را منتقل می‌کند و نه صفت مشبیه را. ترجمه تشکری نیز اگرچه هر دو کلمه را ترجمه کرده است، اما به دلیل حفظ وزن شعری، موفق به ارائه معادلی دقیق نشده است. از میان سه ترجمه مورد نظر، ترجمه رضایی به معنای واقعی این دو کلمه نزدیک‌تر است، اما به نظر می‌رسد که گسترده‌مهر مهرورز به طور کامل مفهوم را نمی‌رساند. به عقیده نگارنده، ترجمه انصاریان بیش از سایر ترجمه‌ها دلالت معنایی را در این آیه واضح می‌کند. ایشان آیه بسمله را چنین ترجمه می‌کند: «به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و مهربانیش همیشگی».

براساس این ترجمه، هم صیغه مبالغه با واژه بی‌اندازه به شکل صحیح ترجمه شده است و هم واژه همیشگی، صفت مشبیه بودن رحیم را به درستی منتقل می‌کند.

۳-۲. وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (مرسلات: ۱)

ترجمه رضایی: سوگند به فرستاده شدگان پیایی.

ترجمه برزی: سوگند به فرستادگان پیایی.

ترجمه تشکری: به فرستادگان پی درپی.

به نظر می‌رسد که هر سه مترجم، خوب عمل کرده‌اند، اما ترجمه برزی باتوجه به خلاصه‌تربودن، بر ترجمه رضایی برتری دارد؛ زیرا دو کلمه فرستاده شدگان و فرستادگان، هر دو در زبان فارسی بر اسم مفعول دلالت می‌کنند. بنابراین، برای رعایت سبک اختصاری و شتابان آیات، ترجمه برزی بر رضایی برتری دارد. ازطرفی ترجمه منظوم تشکری اگرچه کلمه سوگند را حذف کرده است، اما این حذف نیز با ساختار زبان فارسی تضادی ندارد و حرف اضافه به، می‌تواند مفهوم سوگند خوردن را به‌تنهایی افاده کند. بقیه مفهوم آیه نیز در ترجمه وی حفظ شده است. ازاین‌رو به‌نظر می‌رسد که ترجمه وی در این آیه بر دو مترجم دیگر برتری دارد.

۳-۳. فَأَلْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (مرسلات: ۲)

ترجمه رضایی: و توفندگان توفنده.

ترجمه برزی: و سوگند به تندبادهای توفنده.

ترجمه تشکری: که بتوفند [و تابعند به وی]

در ترجمه رضایی، زیبایی تکرار مفعول مطلق به‌دنبال اسم فاعل، حفظ شده است؛ یعنی همان‌طور که در اصل آیه، دو کلمه هم‌ریشه به‌کار رفته است در ترجمه نیز این دقت به‌کار رفته است که باعث حفظ زیبایی کلام می‌شود، اما در ترجمه برزی، این هم‌ریشگی حفظ نشده است و تکرار کلمه سوگند که ضرورتی هم ندارد، باعث طولانی‌شدن ترجمه شده است. ترجمه تشکری نیز به‌دلیل محدودیت و حفظ قالب شعری، هم سوگند را به جمله معترضه تبدیل کرده است و هم ناچار شده است تا اضافاتی را در ترجمه بیفزاید. البته در ترجمه شعری نمی‌توان انتظار دقت فراوان داشت و

مقداری تغییر قابل قبول است. با این حال به نظر می‌رسد که ترجمه رضایی، این آیه را بهتر از دو ترجمه دیگر بررسی کرده است.

۳- ۴. وَ النَّاشِرَاتِ نَشْرًا (مرسلات: ۳)

ترجمه رضایی: و سوگند به گسترانندگان گستراننده.

ترجمه برزی: و سوگند به بادهای پراکنده‌گر.

ترجمه تشکری: و کنند [ابرها] پراکنده.

مترجمان در این آیه علاوه بر مسئله حفظ آهنگ آیه، در معنای نشر نیز با هم اختلاف نظر دارند. با مراجعه به فرهنگ لغات قرآنی مشخص می‌شود که هر دو معنا برای این واژه درست است. برای مثال در کتاب المفردات فی غریب القرآن آمده است: «النَّشْرُ، نَشَرَ الثَّوْبَ، وَالصَّحِيفَةَ، وَالسَّحَابَ، وَ التَّبَعْمَةَ، وَ الْحَدِيثَ: بَسَطَهَا. قَالَ تَعَالَى: وَ النَّاشِرَاتِ نَشْرًا [المرسلات / ۳] أَيْ: الْمَلَائِكَةُ الَّتِي تَنْشُرُ الرِّيحَ، أَوْ الرِّيحَ الَّتِي تَنْشُرُ السَّحَابَ». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ ق) وقتی گفته می‌شود: «نَشَرَ الثَّوْبَ، وَ الصَّحِيفَةَ، وَالسَّحَابَ، وَ التَّبَعْمَةَ، وَ الْحَدِيثَ»؛ یعنی آنها را گستراند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَ النَّاشِرَاتِ نَشْرًا»؛ یعنی فرشتگانی که بادها را می‌پراکنند یا بادهایی که ابرها را می‌پراکنند.

در کتاب العین نیز نشر به معنای گستردن آمده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ هـ ق، ۶/۲۵۱) در کتاب قاموس قرآن آمده است: «نشر در اصل به معنی گستردن و گسترده شدن است و لازم و متعدی به کار رود: «نشر الثوب و الكتاب نشرًا: بسطه» (قرشی، ۱۳۷۱، ۷/۶۵).

از این بررسی به دست می‌آید که استعمال هر دو معنای گستراندن و پراکندن برای این واژه صحیح است. در مورد حفظ آهنگ آیه، باز هم مثل آیه قبل، ترجمه رضایی سبک آیه را بهتر حفظ کرده است و بر دو ترجمه دیگر برتری دارد. شایان ذکر است که هرچند این گونه ترجمه کردن، اندکی مبهم به نظر می‌رسد، ولی برای قائلان به ترجمه پایاپای، این نوع ترجمه نقص محسوب نمی‌شود؛ زیرا اصل آیه نیز به همین میزان ابهام دارد و این کار به دلیل جلب توجه و حواس مخاطبان است.

۳-۵. فَأَلْفَارِقَاتٍ فَرَقًّا (مرسلات: ۴)

ترجمه رضایی: و جداسازان جداکننده.

ترجمه برزی: و جداگران [حق و باطل].

ترجمه تشکری: بین آنان جدایی آرنده.

در ترجمه رضایی، این آیه نیز مثل دو آیه قبل با حفظ همان سبک، ترجمه شده است. به همین دلیل قوت بیشتری دارد. در ترجمه برزی، مفعول مطلق، ترجمه نشده است و به نظر می‌رسد که ترجمه تشکری در این آیه از آن برتر باشد؛ زیرا هرچند مانند آن، مفعول مطلق را ترجمه نکرده است، اما سبک خاص شعری، دست کم آهنگ ویژه آیه را تا حد زیادی حفظ کرده است. به طور کلی باتوجه به نکات گفته شده، ترجمه رضایی از دو ترجمه دیگر بهتر عمل کرده است.

۳-۶. فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا (مرسلات: ۵)

ترجمه رضایی: و به یادافکنان.

ترجمه برزی: و القاکنندگان وحی.

ترجمه تشکری: ذکر آرند از سوی دادار.

در ترجمه رضایی، قبض نحوی رخ داده و موجب شده است حجم ترجمه، حتی از متن اصلی نیز کم‌تر باشد. این امر بر زیبایی ترجمه اثر گذاشته و از آن کاسته است، اما ترجمه برزی در ازای هر کلمه متن اصلی، یک کلمه قرار داده که قابل قبول تر است. ترجمه تشکری نیز به دلیل حفظ سبک شعری، از مفهوم آیه فاصله گرفته است، پس به نظر می‌رسد که ترجمه برزی برای این آیه، قابل قبول‌تر باشد.

۳-۷. عُذْرًا أَوْ نَذْرًا (مرسلات: ۶)

ترجمه رضایی: برای (قطع) عذر یا هشدارگری.

ترجمه برزی: به خاطر حجتی یا هشدار.

ترجمه تشکری: بهر عذر و بهانه یا هشدار.

ترجمه رضایی در این آیه برعکس آیه قبل، دچار بسط نحوی است؛ یعنی از حجم آیه بیشتر شده است، اما ترجمه برزی مانند آیه قبل، حجم ترجمه را پایاپای با آیه در نظر گرفته است و از این جهت بهتر عمل کرده است. ترجمه تشکری نیز با اینکه به زبان شعر است تمام مفهوم و حتی مفعول له بودن را به درستی منتقل کرده است. این مسئله به علاوه آهنگین بودن ترجمه، امتیاز آن را بیش از دو ترجمه دیگر قرار داده است.

۳-۸. اِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَوَاقِعَ (مرسلات: ۷)

ترجمه رضایی: قطعاً آنچه بدان وعده داده می‌شوید واقع‌شدنی است.

ترجمه برزی: که آنچه به شما وعده داده می‌شود، قطعاً واقع‌شدنی است.

ترجمه تشکری: که یقین است وعده‌های خدا.

این آیه، جواب قسم است و از نظر آهنگ با آیات قبل و بعد از خود تفاوت دارد. همچنین ساختار فعل مجهول در زبان عربی کوتاه‌تر از زبان فارسی است. به همین دلیل ترجمه آیه از خود آن طولانی‌تر خواهد بود. از نظر دقت ترجمه، هر دو ترجمه رضایی و برزی در یک سطح هستند، ولی شاید بتوان ترجمه رضایی را بهتر دانست؛ زیرا ساختار فعل مجهول در آن بیشتر رعایت شده است. نائب فاعل در کلمه تُوْعَدُونَ، ضمیر و است که بر جمع مذکر مخاطب دلالت دارد. معادل آن در ترجمه رضایی، شناسه ید در فعل وعده‌داده می‌شوید، است که بر جمع مخاطب دلالت دارد، اما در ترجمه برزی، شناسه د بر اساس مفرد غائب است، نه جمع مخاطب. از این رو ترجمه رضایی دقیق‌تر است. ترجمه تشکری نیز فعل مجهول را به معلوم تبدیل کرده است که اگرچه در ترجمه‌های مقصدگرا، عیب محسوب نمی‌شود، اما در این جستار که مبنای آن، ترجمه پایاپای است از دقت ترجمه کم می‌کند.

۳-۹. فَاِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (مرسلات: ۸)

ترجمه رضایی: و هنگامی که ستارگان محو شوند.

ترجمه برزی: پس هرگاه ستارگان نابود شوند.

ترجمه تشکری: چون شود محو اختران به سما.

نخستین تفاوتی که در ترجمه به چشم می‌خورد در رابطه با تشخیص نوع فاء است. بسته به اینکه از چه نوعی باشد ترجمه نیز متفاوت می‌شود. در ترجمه رضایی، فاء عاطفه ترجمه شده است. ترجمه برزی آن را فاء تفریع می‌داند و با کلمه پس، ترجمه کرده است، اما مؤلف کتاب الجدول فی اعراب القرآن، فاء را در این آیه، استینافیه می‌داند. (صافی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۹۹/۲۹) که این نوع فاء، نیازی به ترجمه ندارد. در ترجمه تشکری، فاء ترجمه نشده است. از این نظر، وی درست‌تر عمل کرده است. از سوی دیگر، ترجمه برزی عبارت طمس را به نابود شدن ترجمه کرده است که در مقایسه با محوشدن، ارزش ادبی کمتری دارد. از نظر لغوی نیز محوشدن، دقیق‌تر است. برای مثال در کتاب مجمع البحرین آمده است: «(طمس) قوله تعالى: مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَمْحُو مَا فِيهَا مِنْ عَيْنٍ وَأَنْفٍ فَنَجْعَلْهَا كَخَفِ الْبَعِيرِ؛ (طمس) آیه قرآن: قبل از اینکه چهره‌هایی را محو کنیم و در نتیجه آنها را به پشت برگردانیم؛ یعنی چشم و بینی که در آن است، محو کنیم و در نتیجه آن را مانند سم شتر قرار دهیم» (طریحی، ۱۳۷۵، ۸۳/۴).

در برخی کتب لغوی دیگر نیز عبارت طمس به معنای محو کردن آمده است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۱۱۶/۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق) از این رو با در نظر گرفتن تشخیص صحیح فاء در ترجمه تشکری با ترجمه ادبی و رعایت وزن به نظر می‌رسد که این ترجمه برای آیه مورد نظر بر دو ترجمه دیگر برتری دارد.

۳-۱۰. وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (مرسلات: ۹)

ترجمه رضایی: و هنگامی که (کرات) آسمان شکافته شود.

ترجمه برزی: و هرگاه آسمان شکافته شود.

ترجمه تشکری: پس بیفتد شکاف‌ها به سما.

در آیه مورد نظر، ترجمه برزی مختصرتر و دقیق‌تر از دو مورد دیگر است. به علاوه با ترجمه «إِذَا» به «هرگاه»، لحن ادبی آیه تا حدودی حفظ شده است. ترجمه تشکری نیز به نسبت رعایت وزن شعری، خوب عمل کرده است، اما در مقایسه با ترجمه برخی آیات دیگر، دقت آن اندکی کاهش یافته است.

۳-۱۱. وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ (مرسلات: ۱۰)

ترجمه رضایی: و هنگامی که کوه‌ها برکنده و پراکنده شوند.

ترجمه برزی: و هرگاه کوه‌ها پراکنده شود.

ترجمه تشکری: کوه‌ها را چو برکنند از جا.

در این آیه در ترجمه رضایی، دو معادل برای واژه نَسَف به کار رفته است که هر دو نیز صحیح هستند (ر.ک.، فراهیدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۶۹/۷؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۵۶/۷؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۱۲۳/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق) از این رو نمی‌توان به ترجمه وی خرده گرفت. ترجمه برزی مانند آیه قبل، رویکرد اختصار و حفظ سبک ادبی را در پیش گرفته است. ترجمه تشکری نیز با حفظ قالب شعری، تمام معنا را به درستی انتقال داده است. به نظر می‌رسد در این آیه، هریک از سه مترجم، از یک جنبه خوب عمل کرده‌اند و نمی‌توان کار یکی را از دیگری متمایز دانست.

۳-۱۲. وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِنَّتْ (مرسلات: ۱۱)

ترجمه رضایی: و هنگامی که فرستادگان (برای گواهی) وقت داده شوند.

ترجمه برزی: و هرگاه بر پیامبران وقت معین شود.

ترجمه تشکری: چون برای رسل نهند زمان.

در این آیه، ترجمه رضایی اندکی شرح و توضیح دارد که اگرچه به دلیل رعایت امانت، از متن اصلی جدا شده است، ولی سبک اختصاری آیه و حالت ابهام‌گونه آن را نیز با خود برده است. ترجمه تشکری نیز بنابر سیاق خاص خود، افعال مجهول را به صورت معلوم ترجمه می‌کند که اگرچه اشکال خاصی ندارد، اما ممکن است به سبک ترجمه مبدأ اگر اندکی آسیب وارد کند. ترجمه برزی، هیچ‌یک از این اشکالات را ندارد و شاید بتوان آن را از دو ترجمه دیگر بهتر دانست.

۳-۱۳. لَأَيُّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ (مرسلات: ۱۲)

ترجمه رضایی: چرا روزی مدت معین شده است.

ترجمه برزی: چرا روزی وقت تعیین شده است.

ترجمه تشکری: به چه روزی دهند مدتشان.

ترجمه رضایی و برزی، هردو یک مفهوم را می‌رسانند. اگرچه ترجمه برزی به سبب انتخاب کلماتی غیرمشدد، روان تر تلفظ می‌شود که همین مسئله سبب می‌شود تاحدی لحن ادبی بیشتر حفظ شود. ترجمه تشکری نیز به جز تغییر ساختار فعل مجهول به معلوم، تمام ترجمه را به خوبی منتقل کرده است، اما به دلیل مبدأگر بودن این بررسی به نظر می‌رسد که ترجمه برزی در این آیه اندکی بهتر از دو ترجمه دیگر باشد.

۳-۱۴. لیوم الفُضْلِ (مرسلات: ۱۳)

ترجمه رضایی: برای روز جدایی (رستاخیز).

ترجمه برزی: برای روز داوری.

ترجمه تشکری: روز حکم است و داوری آن گاه.

در این آیه نیز در ترجمه واژه فصل، بین مترجمان اختلاف نظر وجود دارد. با مراجعه به کتب لغت به دست می‌آید که هردو معنا برای لفظ مذکور صحیح است، اما معنای نخست رایج‌تر است. برای مثال در کتاب المفردات فی غریب القرآن آمده است: «الفُضْلُ: إِبَانَةُ أَحَدِ الشَّيْئَيْنِ مِنَ الْآخِرِ: حَتَّى يَكُونَ بَيْنَهُمَا فَرْجَةٌ، هَذَا يَوْمُ الْفُضْلِ، أَيْ: الْيَوْمِ يَبِينُ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ، وَ يُفْصَلُ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحُكْمِ؛ فَصْلٌ يَعْنِي، جِدَاكَرْدَنَ يَكِي از دو چیز از دیگری تا اینکه میان آن دو شکاف بیفتد. «هَذَا يَوْمُ الْفُضْلِ»؛ یعنی این روزی است که خداوند حق را از باطل مشخص می‌کند و میان مردم با حکم کردن، جدایی می‌اندازد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق).

همچنین در کتاب العین آمده است: «الفصل: بون ما بین الشیئین. و الفصل من الجسد: موضع المفصل، و بین کل فصلین وصل. و الفصل: القضاء بین الحق و الباطل، و اسم ذلك القضاء فیصل؛ فصل، جدایی میان دو چیز است و فصل از اعضای بدن، مکان مفصل است و میان هردو مفصل، وصل کننده‌ای است و نیز فصل به معنای داوری میان حق و باطل است و نام این داوری، فیصل است» (فراهیدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۲۶/۷).

از این بررسی می‌توان چنین استنباط کرد که معنای روشن و نخستین واژه، همان جدایی است که در ترجمه رضایی به این صورت آمده است، اما معنای ثانویه آن که از معنای اولیه گرفته شده، داوری و جدا کردن حق از باطل است. از این رو نمی‌توان هیچ‌یک از ترجمه‌ها را به لحاظ اشتباه در معادل‌گزینی، غلط دانست. از نظر آهنگ کلام نیز ترجمه برزی مختصرتر از دو ترجمه دیگر و پایایی متن اصلی است. به نظر می‌رسد که وی، بهتر از دو مترجم دیگر عمل کرده باشد.

۳-۱۵. وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الْفُضْلِ (مرسلات: ۱۴)

ترجمه رضایی: و چه چیز تو را آگاه کرد که روز جدایی چیست.

ترجمه برزی: و تو چه دانی روز داوری چیست.

ترجمه تشکری: نیستی تو ز روز حکم آگاه.

ترجمه رضایی آیه را تحت‌اللفظی ترجمه کرده است که سبب شده است تا گزته‌برداری از زبان عربی روی دهد. همچنین حجم ترجمه هم زیاد شده است که با کوتاهی آیه در تضاد است، اما ترجمه برزی، مفهوم عرفی «ما ادراک» در زبان فارسی را آورده است. به همین دلیل ترجمه وی در بردارنده تمام مفهوم همراه با اختصار است. ترجمه تشکری نیز به دلیل رعایت وزن شعری، استفهام را به نفی ترجمه کرده است که این خود از دقت ترجمه می‌کاهد. از این رو، به نظر می‌رسد ترجمه برزی موفق‌تر از دو ترجمه دیگر عمل کرده است.

همان طور که ملاحظه شد، کار هر یک از سه مترجم، نقاط قوت و ضعف‌هایی دارد که باید آنها را در کنار یکدیگر مشاهده و نقد کرد. در یک نگاه کلی می‌توان نتیجه بررسی‌های انجام‌شده را در جدول ۱ مشاهده کرد:

جدول ۱

ترجمه منتخب برای هر آیه

| ترجمه تشکری | ترجمه برزی | ترجمه رضایی | |
|-------------|------------|-------------|-------------|
| | | ✓ | آیه بسمله |
| ✓ | | | آیه اول |
| | | ✓ | آیه دوم |
| | | ✓ | آیه سوم |
| | | ✓ | آیه چهارم |
| | ✓ | | آیه پنجم |
| ✓ | | | آیه ششم |
| | | ✓ | آیه هفتم |
| ✓ | | | آیه هشتم |
| | ✓ | | آیه نهم |
| ✓ | ✓ | ✓ | آیه دهم |
| | ✓ | | آیه یازدهم |
| | ✓ | | آیه دوازدهم |
| | ✓ | | آیه سیزدهم |
| | ✓ | | آیه چهاردهم |

۴. نتیجه‌گیری

از بررسی‌های انجام‌شده به‌دست آمد که هر سه مترجم در ترجمه آیات آهنگین و کوتاه قرآن بسیار خوب عمل کرده‌اند به‌گونه‌ای که تفاوت نتیجه کار آنها با یکدیگر بسیار ناچیز است. از میان پانزده آیه بررسی شده در پژوهش حاضر (با لحاظ آیه بسمله) در پنج مورد، ترجمه رضایی بهتر عمل کرده است. در شش آیه نیز ترجمه برزی نتیجه بهتری ارائه می‌دهد. همچنین ترجمه تشکری با وجود محدودیت‌های خاص ترجمه به شعر، در سه مورد توانست ترجمه‌ای بهتر از همتایان نثری خود ارائه دهد. در یک آیه نیز هر سه مترجم آن قدر خوب عمل کرده بودند که اثر هر یک، امتیازی ویژه دارد و امکان برتری دادن میان آنها وجود ندارد. با این حال براساس بررسی استقرائی، شاید بتوان ترجمه برزی را در انتقال آهنگ آیات کوتاه و سریع قرآن همراه با انتقال صحیح معنا، یک پله بالاتر از سایرین دانست. از این بررسی به‌دست می‌آید که اگرچه قرآن کریم به‌عنوان معجزه پیامبر گرامی اسلام ﷺ سبکی خاص و منحصر به فرد دارد، می‌توان برخی ویژگی‌های زیبایی‌شناختی آن مانند سبک آوایی خاص آن را در برخی موارد ترجمه کرد و مقدس بودن این کتاب شریف و جنبه اعجازی آن به معنای رهاکردن تمام ظرافت‌های آن و تنها اکتفا به نقل مفاهیم نیست. همان‌طور که مشاهده شد، برخی مترجمان به دنبال اثبات این فرضیه، تلاش‌هایی کرده‌اند که در مقام عمل تاحد زیادی هم موفق بوده است به‌گونه‌ای که به‌سختی می‌توان میان آنها برتری و امتیاز قائل شد.

فهرست منابع

۱. انصاریان، حسین (۱۳۸۲). ترجمه قرآن. قم: اسوه.
۲. برزی، اصغر (۱۳۸۲). ترجمه قرآن. تهران: بنیاد قرآن.
۳. تشکری آرنی، شهاب (بی تا). ترجمه قرآن. بی جا.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ هـ.ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.
۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۲). ترجمه قرآن. قم: دارالذکر.
۶. صافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ هـ.ق). الجداول فی اعراب القرآن. بیروت: مؤسسه الایمان.
۷. طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷ هـ.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۹. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.

۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹هـ.ق). العین. قم: دار الهمجره.
۱۱. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.